



گفت‌وگو با دکتر «سید مرتضی افقه» عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز

انفعال در سیاست‌ها

تداوم وابستگی اقتصاد کشور به واردات باعث تداوم آسیب‌پذیری و بی‌ثباتی کشور شده است. تحریم اقتصادی کشور که مانع صادرات کالا و خدمات است، موجب کاهش درآمدهای ارزی کشور و به‌نوبه خود کاهش ارزش پول ملی می‌شود. ترازنامه بانک مرکزی که عامل تغییر در پایه پولی و نقدینگی است، معمولاً تحت تأثیر مشکلات مالی دولت دچار تحولاتی می‌شود که در بسیاری موارد به کاهش قدرت پول ملی کشور انجامیده است. به دلایل داخلی و همچنین به دلایل خارجی، بعید است که دولت در شرایط فعلی قدرت تأثیرگذاری چندانی در تثبیت نرخ ارز، قیمت سایر کالاها و نرخ تورم داشته باشد. مادامی‌که تنش در روابط خارجی و بی‌ثباتی در سیاست‌های داخلی حاکم است، قیمت نرخ ارز همانی است که در بازار آزاد تعیین می‌شود و تا زمانی که قیمت ارز کنترل و تثبیت نشود، بعید است که نرخ تورم قابل کنترل باشد. پاسخ دکتر سید مرتضی افقه، عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه شهید چمران به سؤال‌های ما را در ادامه بخوانیم.



فهم نادرست از صادرات غیرنفتی مانع از آن شد که اقتصاد کشور از وابستگی به فروش نفت خام رها گردد. همین تعریف نادرست از صادرات غیرنفتی باعث شد که در برخی سال‌های گذشته میزان صادرات غیرنفتی به بیش از ۴۰ میلیارد دلار هم برسد، اما شوربختانه سهم قابل توجهی از این صادرات به اصطلاح غیرنفتی یا محصولات کشاورزی خام یا مواد خام یا نیمه‌خام معدنی و صنعتی مثل شمش فولاد و محصولات پتروشیمی بود. این ترکیب از صادرات به اصطلاح غیرنفتی، تفاوت چندانی با صادرات نفت خام نداشت.

◆ نقش دولت در افزایش یا کاهش قدرت پول ملی چیست؟

بدیهی است که دولت هم به‌صورت مستقیم و هم غیرمستقیم بر متغیرهای اقتصادی از جمله قدرت پول ملی و در نتیجه قدرت خرید مردم نقش اصلی را دارد. هرچند در بسیاری از کشورهای پیشرفته، بانک مرکزی مستقل تعریف شده و برای جلوگیری از عدم تعادل‌ها یا بحران‌های اقتصادی سیاست‌های پولی را جدا از تمایل یا درخواست دولت اعمال می‌کند، اما از آنجا که در ایران به دلایل مختلف از جمله مالکیت نفت به‌عنوان منبع اصلی بودجه و نیز محرک اصلی تولید ملی توسط دولت، بانک مرکزی از اراده دولت‌ها استقلال لازم را ندارد، بنابراین ترازنامه بانک مرکزی که عامل تغییر در پایه پولی و نقدینگی است، معمولاً تحت تأثیر مشکلات مالی دولت دستخوش تحولاتی می‌شود که در بسیاری موارد به کاهش قدرت پول ملی کشور انجامیده است.

◆ جناب‌عالی روند کاهش ارزش پول ملی ایران را چگونه تحلیل می‌کنید؟

اقتصاد کشور شرایط بسیار پیچیده‌ای پیدا کرده است و متأسفانه نسخه‌های ناسازگار اقتصاد خوانده‌های بی‌اعتنا به ساختارهای ضد تولید و ضد توسعه حاکم بر کشور از یکسو و ورود و دخالت اقتصاد خوانده‌هایی که دچار توهم اقتصاددانی شده‌اند از دیگر سو، باعث شده تا مشکلات اقتصادی کشور متأثر از توصیه‌های این دو گروه طی سه دهه گذشته نه تنها در مسیر اصلاح قرار نگیرد، بلکه هر روز با شکاف‌های عمیق‌تری مواجه شوند. واقعیت آن است که اقتصاد کشور بعد از چهار دهه تکرار شعار‌هایی از وابستگی به درآمدهای نفتی، هنوز نتوانسته یا نخواسته از این وابستگی خود را برهاند. حاصل تداوم این وابستگی، آسیب‌پذیری اقتصاد و در نتیجه معیشت و رفاه مردم به درآمدهای نفت بوده و هست. در طول سه دهه گذشته پس از اتمام جنگ، تنها تلاشی که صورت پذیرفت افزایش صادرات غیرنفتی بود. با این وصف، فهم نادرست از صادرات غیرنفتی مانع از آن شد که اقتصاد کشور از وابستگی به فروش نفت خام رها گردد. همین تعریف نادرست از صادرات غیرنفتی باعث شد که در برخی سال‌های گذشته میزان صادرات غیرنفتی به بیش از ۴۰ میلیارد دلار هم برسد، اما شوربختانه سهم قابل توجهی از این صادرات به اصطلاح غیرنفتی یا محصولات کشاورزی خام یا مواد خام یا نیمه‌خام معدنی و صنعتی مثل شمش فولاد و محصولات پتروشیمی بود. این ترکیب از صادرات

به اصطلاح غیرنفتی، تفاوت چندانی با صادرات نفت خام نداشت و کمک چندانی به اقتصاد متزلزل کشور نکرد و بنابراین نه قابل تفاخر بود و نه قابل اتکاء.

تداوم وابستگی اقتصاد کشور اعم از بخش تولید و بخش مصرف به واردات کالا از خارج باعث تداوم آسیب‌پذیری و بی‌ثباتی اقتصاد کشور شد. بنابراین چه کاهش شدید قیمت نفت (همچون سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۷، ۱۳۹۵) و چه تحریم اقتصادی کشور که مانع صادرات کالا و خدمات به خارج شود، موجب کاهش در درآمدهای ارزی کشور می‌شود که به‌نوبه خود باعث کاهش ارزش پول ملی می‌شود.

◆ این روند کاهش ارزش پول ملی چه خطراتی را به دنبال خواهد داشت و چگونه می‌توان از سقوط ارزش پول ملی جلوگیری کرد؟

همان‌گونه که در پاسخ سؤال پیش مشخص شد، روند کاهش ارزش پول ملی مادامی‌که مشکل تحریم‌ها و اختلال در دریافت‌های ارزی کشور رفع نگردد، نمی‌توان انتظار داشت که قیمت ارز و در نتیجه ارزش پول ملی به ثبات برسد. برای جلوگیری از سقوط یا کاهش ارزش پول ملی، اقدامات کوتاه‌مدت و بلندمدت وسیع و عمیقی باید صورت پذیرد. در کوتاه‌مدت، گریزی نیست جز آنکه از یک‌طرف تحریم‌ها رفع گردند و امکان صدور نفت و سایر

کالاها و خدمات به خارج فراهم گردد و از طرف دیگر، موانع مرادفات مالی (توافق FATF) نیز مرتفع گردد، اما در میان مدت و بلندمدت، تحولات وسیع و عمیق ساختاری در همه ابعاد حکمرانی کشور باید صورت پذیرد. بی‌اعتنایی به این مهم (همچون سه دهه گذشته) موجب تداوم وابستگی و آسیب‌پذیری اقتصاد و معیشت و رفاه مردم خواهد شد. در هر حال، حتی اگر طی یک فرایند زمانی مناسب اصلاحات بیان شده در ساختارهای ضدتولید و ضد توسعه کشور نیز صورت پذیرد و حکمرانی خوب در کشور برقرار شود، بازهم به دلیل نقش روابط سیاسی و اقتصادی با سایر کشورها بر معیشت و رفاه داخلی، هرگونه تنش با کشورهای دیگر، موجب تداوم مشکلات اقتصادی از جمله کاهش ارزش پول ملی و افزایش تورم، بیکاری، فقر، نابرابری و ... در کشور خواهد شد.

◆ ریشه مشکلات بازار ارزی کشور چیست و ابزارهای مهار نوسان نرخ دلار کدامند؟

ریشه مشکلات بازار ارز را در سؤال‌های فوق توضیح دادم، اما نکته‌ای که می‌توان اضافه نمود آنکه، برای مهار نوسان نرخ ارز از یک‌طرف دولت باید به‌اندازه کافی ارز داشته باشد تا بتواند در مواقع بحرانی با مدیریت عرضه و تقاضای ارز، قیمت آن را متناسب با سایر متغیرهای اقتصادی تثبیت کند و از طرف دیگر نقدینگی موجود در اقتصاد را بتواند کنترل کند. همان‌گونه که ذکر شد در شرایط تحریمی فعلی و نیز تداوم تنش با کشورهای دیگر، امکان افزایش چندان درآمدهای ارزی کشور وجود ندارد تا دولت بتواند قیمت ارز را به‌خوبی مدیریت و تثبیت کند. از طرف دیگر، ساختارهای معیوب سیاسی، اقتصادی، اداری، اجرایی و مدیریتی، باعث شده که نان خورهای اضافه و بی‌خاصیت زیادی بر بودجه کشور تحمیل شوند. وجود انبوه ردیف‌های هزینه‌زایی در بودجه که نه مستقیم و نه غیرمستقیم به تولید و رفاه ملی کمکی نمی‌کنند و به کیفیت و کمیت وظایف حاکمیتی هم اضافه نمی‌کنند، باعث شده که ساختارهای موجود، نقدینگی‌زا باشند. این بدان معناست که بدون اصلاح بودجه، دولت چندان قادر به کاهش نقدینگی هم نیست. حاصل آنکه، هم به دلایل داخلی هم به دلایل خارجی، بعید است دولت در شرایط فعلی قدرت تأثیرگذاری چندان در تثبیت نرخ ارز و قیمت سایر کالاها و نرخ تورم داشته باشد.

◆ اصولاً نرخ واقعی ارز چگونه تعیین می‌شود یا چگونه شکل می‌گیرد؟

هرچند عده‌ای برای ارز، قیمتی را به‌عنوان نرخ واقعی

محاسبه می‌کنند و مبنای آن را تفاوت نرخ تورم کشور و تورم امریکا تلقی می‌کنند، اما از نظر من قیمت واقعی ارز، همانی است که در بازار آزاد تعیین می‌شود. همان‌گونه که در کتب درسی اقتصاد تأکید می‌شود، عوامل متعددی بر تقاضای یک کالا اثرگذارند که معمولاً در مباحث کلاسیک درسی، به‌جز قیمت همان کالا، سایر عوامل را ثابت فرض کرده و آنگاه تغییرات تقاضا را براساس تغییرات قیمتی تجزیه و تحلیل می‌کنند، اما واقعیتی که معمولاً برخی اقتصاد خوانده‌های نئوکلاسیک و لیبرال غفلت می‌کنند یا نسبت به آن بی‌اعتنا هستند، آن است که انتظارات مصرف‌کننده که در شرایط فعلی کشور متغیر و فعال و بسیار اثرگذار بر تقاضا است را نادیده می‌گیرند. بنابراین، مادامی که تنش در روابط خارجی و نیز بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌های داخلی حاکم است، قیمت واقعی ارز همان است که در بازار آزاد تعیین می‌شود.

◆ درباره تناسب نوسانات نرخ ارز و تورم در کشور چه توضیحاتی ارائه می‌فرمایید؟

یکی از عواملی که در شرایط فعلی باعث تداوم نوسانات متغیرهای اقتصادی از جمله نرخ ارز و تورم شده است، تجویز نسخه‌های غلط توسط اقتصاد خوانده‌های غافل یا بی‌اعتنا به ساختارهای ضد تولید و ضد توسعه حاکم بر کشور و تبعیت سیاست‌گذاران از این نسخه‌های غلط است. با توضیحاتی که در پاسخ به سؤالات پیش بیان شد، مشخص است که متغیر فعال در شرایط فعلی کشور بی‌ثباتی و تنش در روابط خارجی است که باعث بی‌ثباتی در بسیاری از متغیرهای اقتصادی و در نتیجه افزایش‌های مکرر در قیمت ارز شده است. از آنجا که قیمت ارز تأثیر بسیار زیادی بر قیمت کالاهای وارداتی دارد و از طرفی بیش از ۸۰ درصد واردات را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که در تولید سایر کالاهای داخلی نقش دارند در برمی‌گیرد، هر افزایشی در قیمت ارز بلافاصله باعث افزایش قیمت کالاهای داخلی و تورم خواهد شد. بنابراین، این قیمت ارز است که موجب تحریک اولیه نرخ تورم می‌شود، هرچند افزایش تورم نیز در سیکل بعدی، موجب افزایش قیمت ارز می‌شود و این چرخه باطل ادامه می‌یابد. بنابراین، مادامی که قیمت ارز کنترل و تثبیت نشود، بعید است که نرخ تورم قابل کنترل باشد.

◆ تقویت درآمدهای ارزی کشور موکول به وجود چه شرایط و عواملی است؟

درآمدهای ارزی هر کشور حاصل صادرات آن کشور است.

وقتی صادرات

یک کشور

قابل اعتماد و

اتکاء هستند که

عمدتاً کالاهای

نهایی و البته

محصول فکر و

اندیشه نیروهای

داخلی باشند نه

محصول طبیعت

(مثل نفت و سایر

معادن خام).

به عبارت دیگر،

هر چه کالاهای

صادراتی نهایی

و محصول

تکنولوژی‌های

پیشرفته و

قابل رقابت با

محصولات دیگر

کشورها باشند،

صادرات پایدارتر

و در نتیجه

درآمدهای ارزی

بیشتر و با ثبات‌تر

خواهند بود.

اما شرط کافی، وجود روابط سیاسی، اقتصادی و تجاری مطلوب با سایر کشورها به‌خصوص کشورهای ثروتمند که بازار مناسبی برای صدور هستند، می‌باشد.

◆ در مجموع ارزیابی و تحلیل شما از رژیم ارزی در ایران چیست؟

با توجه به توضیحات فوق و در شرایطی که در داخل بی‌تدبیری‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاستی، مدیریتی و قانونی و نیز ناکارآمدی بوروکراتیک حاکم است و در خارج نیز بی‌ثباتی و تحریم و روابط سیاسی و اقتصادی پرتنش تداوم دارد، سیاست‌گذار داخلی نقش فعالی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و ارزی نمی‌تواند داشته باشد و تنها ناچار به انفعال در سیاست‌هاست.

◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم میدانید، عنوان فرمایید.

شاد، سلامت و سربلند باشید. ◆◆

بنابراین، هرچه اقتصاد کشور بتواند کالاها و خدمات بیشتری را تولید و صادر کند، درآمدهای ارزی بیشتری می‌تواند کسب کند، اما پایداری و ثبات درآمدهای ارزی نیز به کمیت و کیفیت صادرات بستگی تام دارد. همان‌گونه که ذکر شد، صادرات محصولات معدنی و کشاورزی به‌صورت خام نمی‌تواند موجب اعتماد به تداوم درآمدهای ارزی کشور شود. بنابراین، وقتی صادرات یک کشور قابل‌اعتماد و انکاء هستند که عمدتاً کالاهای نهایی و البته محصول فکر و اندیشهٔ نیروهای داخلی باشند نه محصول طبیعت (مثل نفت و سایر معادن خام). به عبارت دیگر، هر چه کالاهای صادراتی نهایی و محصول تکنولوژی‌های پیشرفته و قابل‌رقابت با محصولات دیگر کشورها باشند، صادرات پایدارتر و در نتیجه درآمدهای ارزی بیشتر و با ثبات‌تر خواهند بود. با این وصف، تولید محصولات نهایی زیاد و با کیفیت و برخورداری از تکنولوژی‌های پیشرفته شرط لازم برای کسب درآمدهای ارزی پایدار است

فروش SELL	خرید BUY	دلار آمریکا
13 150	13000	USD
15200	15000	یورو EUR
17000	16900	پوند انگلیس GBP
17700	10 180	دلار کانادا CAD
10800	10360	دلار استرالیا AUD
2800	2200	لیر ترکیه TRY
4000	3940	درهم امارات AED
2200	1890	یوان چین CNY